

پدیده داعش و آوارگان عراقی (تحلیل نشانه‌شناختی عکس با نرم‌افزار مکس کیودا)^۱

ایوب سبحانی^۲

دانیال حیدری^۳

ایرج شاهوردی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

چکیده

جنوب غرب آسیا از مهم‌ترین کانون‌های درگیری و بحران‌ساز در جهان است. این منطقه در سال‌های اخیر، درگیر منازعات بسیاری بوده است. در این میان، کشور عراق به دلیل نارسایی‌های ساختاری، دخالت قدرت‌های خارجی و بازیگران منطقه‌ای، دست‌خوش تحولات زیادی شده است و بدین ترتیب در این کشور، بسترها و زمینه‌های لازم برای ظهور تارشرگی که داعش آخرین نوع آن است، فراهم گردیده است. بحران‌های امنیتی؛ ازجمله چالش‌های اصلی در هر کشور محسوب می‌گردد. این پژوهش با هدف بررسی ویژگی‌های متون تصویری پدیده داعش و آوارگان عراقی است و به دنبال پاسخ به این سؤال است که پدیده داعش و آوارگان جنگی عراقی در متون تصویری با چه ویژگی‌هایی بازنمایی شده‌اند؟ در این پژوهش به مقوله عکس به عنوان بستری برای ارتباط و تولید معنا نگریسته می‌شود و فعالیت هنری-اجتماعی عکاسی، در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله بر اساس نظریه بازنمایی و روش نشانه‌شناسی که در آن امکان بررسی لایه‌های زیرین متون رسانه‌ای؛ ازجمله عکس وجود دارد و با تحلیل نمونه آماری و با استفاده از نرم‌افزار کیفی مکس کیودا به تحلیل عکسی با موضوع آوارگان جنگ داعش پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: داعش، آوارگان جنگ، عراق، مهاجرت، تحلیل عکس، بی‌خانمانی.

1. Max qda

۳. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال (ayobsobhani@yahoo.com)

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حفاظت اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی، نویسنده مسئول (denial.haydari@gmail.com)

۴. دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی (I.S.Shahverdi@gmail.com)

مقدمه

با شکل‌گیری و شروع به فعالیت گروه‌های تارشگری در سطح دنیا و به‌ویژه در منطقه جنوب غرب آسیا در یک دهه گذشته، بحران‌های امنیتی بسیاری گریبان‌گیر این کشورها به‌ویژه کشورهای عراق و سوریه شده است. دامنه پیامدهای امنیت اقدامات افراطی این‌گونه گروهک‌ها فقط منتهی به کشورهای آسیایی نبوده و آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی؛ مانند فرانسه، آلمان و حتی کشورهای آفریقایی از مهم‌ترین کشورهای هستند که از تحولات عراق و سوریه به شکل محسوسی متأثر شده و با آثار تحولات منطقه جنوب غرب آسیا دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مهاجرت مردم این مناطق به کشورهای اروپایی، بحران آوارگان، انجام عملیات تارشگری و بمب‌گذاری به‌ویژه در کشورهای؛ مانند فرانسه و آلمان، پیوستن بسیاری از شهروندان این کشورها به گروه‌های تارشگری؛ مانند داعش، اعزام نیرو نظامی توسط کشورها و تسلیحات نظامی در کنار انتشار تصاویر از خشونت جنایت داعش ایجاد رعب و وحشت و ... از مهم‌ترین آثاری است که در ابعاد مختلف برای این کشورها داشته است. هم‌زمان با بالاگرفتن بحران‌ها، میلیون‌ها نفر مجبور شدند از وطن خود بگریزند و هزاران نفر در این راه برای اینکه به امنیت برسند، جان خود را از دست دادند. جنگ در سوریه و عراق سبب آوارگی گسترده مردم شده است. آمارهای غیررسمی مبین این مطلب است که بیش از نیمی از جمعیت سوریه دچار بحران آوارگی بوده و کشور عراق نیز در وضعیت مناسبی نیست و آمار آوارگان و پناهجویان روزبه‌روز بیشتر می‌شود. رخت بربستن امنیت از کشورهای عراق و سوریه و افزایش روزافزون آمار آوارگان و پناهجویان و از طرفی پیامدهای امنیتی فرهنگی، اقتصادی، مذهبی که این مقوله در پی دارد، نویسندگان را بر این داشته تا ابعاد سرنوشت تاریک میلیون‌ها جمعیت بی‌خانمان و دنبال سرپناه و امنیت در کشور عراق را مورد بررسی و تبیین قرار دهند. ارتباط میان افراد و گروه‌ها در جوامع بستری برای تولید معنی است؛ بنابراین معنا خصلتی از پیش تعیین‌شده ندارد؛ بلکه به شکل پویایی توسط کسانی که آن را تولید می‌کنند و کسانی که به خوانش آن می‌پردازند، ایجاد می‌شود (ساسانی، ۱۳۸۹: ۲)؛ بنابراین تمام جهان اجتماعی؛ از جمله کلام، کنش‌ها، آثار و حتی تصاویر را می‌توان متن در نظر گرفت (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). تأکید ما در این پژوهش از میان انواع متون ارتباطی، بر تصاویر است. عصر ما، عصر انفجار تصاویر است و به شکل روزافزونی از مرکزیت نوشتار و متون کلامی کاسته می‌شود؛ امروزه تصاویر در اشکال متنوع و از طریق رسانه‌های مختلف برای ما عرضه می‌شوند. فضای مجازی با به وجود آوردن فرهنگ بصری ویژه‌ای که در آن تصویر بر کلام تسلط دارد، از این جهت رسانه مهمی به حساب می‌آید. انتشار تصاویر عرصه‌هایی از معنا و نماد را به وجود می‌آورند که نهایتاً در راستای

تحکیم روابط قدرت عمل می‌کنند؛ بنابراین رسانه‌ها نه تنها خنثی نیستند؛ بلکه بار سیاسی و ایدئولوژیک دارند (صفاوردی، ۱۳۸۹: ۲۸۹).

بیان مسئله

تاریخ منطقه غرب آسیا بیش از هر چیز یادآور «بحران» و «درگیری» است. از زمان شکل‌گیری طالبان در افغانستان و شروع درگیری و خشونت در این کشور و سپس شکل‌گیری القاعده و شاخه‌های مختلف آن در کشورهای این منطقه به‌ویژه عراق و سوریه علل و انگیزه سیاسی، امنیتی و... شکل‌گیری این گروه‌ها هرچه که باشد یک نتیجه مهم در پس فعالیت‌های این گروه‌های تارشگری است و آن‌همه از بین رفتن امنیت برای ساکنان کشورهایی است که هرچند وقت یک‌بار گروهی تارشگری در کشورشان شکل گرفته و با اقدامات غیرانسانی خود امنیت ذهنی و عینی مردم را مخدوش نموده است و در نتیجه این امر، موج آوارگی و پناهندگی نصیب مردم تحت سیطره گروهک یادشده شده است؛ موضوعی که با شکل‌گیری و گسترش فعالیت داعش (دولت اسلامی عراق و شام) بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفته و ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. درواقع پدیده داعش با توجه به سطح اقدامات و تنوع افراد عضو شده در آن حکایت از شکل‌گیری یک جریان سخت دارد که با انجام تحرکات خود نه تنها امنیت هر یک از کشورهای منطقه را با بحران مواجه ساخته؛ بلکه نظم سیاسی و امنیتی کل منطقه جنوب غرب آسیا را نیز دگرگون کرده است (تودنهور، ۱۳۹۴: ۱۹-۱۳).

اقدام گروهک یادشده در کشتار وسیع و وحشتناک و انتشار فیلم‌ها و تصاویر آن در فضای مجازی، موج بی‌سابقه رعب و وحشت را در عراق و سوریه ایجاد نموده است و امکان ماندن در شهرها و مناطقی را که احتمال ورود داعش به آن وجود دارد، تقریباً از بین برده است؛ امری که با ادامه عملیات این گروهک بر دامنه آن افزوده خواهد شد. نتیجه امر سرازیر شدن موجی از آوارگان جنگ‌های داخلی منطقه به‌ویژه عراق و سوریه به‌سوی اروپا را در پی داشته، به‌گونه‌ای که این قاره را با بزرگ‌ترین موج مهاجرت پس از جنگ جهانی دوم مواجه کرده است و جدی‌ترین چالش جدی اروپا پس از بحران بدهی‌های یونان محسوب می‌شود (بحران آوارگان، ۱۳۹۴: ۱).

آنچه موجب شده که نویسندگان این مقاله به آن بپردازند، آثار و پیامدهای انسانی اقدامات خشونت‌بار این گروهک و سرنوشت تاریک و مبهم آوارگان و پناهجویانی است که اقدامات چند ساله این گروهک در پی داشته و در نظر است پس از ارائه مبانی نظری پژوهش در قالب تحلیل و تفسیر عکسی از آوارگان مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

منطقه جنوب غرب آسیا، در طول تاریخ همواره مورد تهدیدهای مختلفی از سوی جبهه استکبار به سرکردگی غرب به‌ویژه آمریکا قرار گرفته است. غرب همواره به‌واسطه خوی استکباری و استعماری خود تلاش می‌نماید به گونه‌های مختلف با دخالت در امور داخلی کشورها به تحمیل ارزش‌های خود در عرصه بین‌الملل اقدام نماید؛ بنابراین ضروری است نقش غرب در ایجاد بحران‌های امنیتی شناخته شود تا بتوان با فراهم نمودن شرایط لازم در عرصه‌های مختلف زمینه کاهش و قطع نقش وی را میسر نمود. در صورت تحقق این مهم می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب هرگونه وابستگی کشورهای غرب آسیا با غرب را که زمینه ایجاد بحران در آن کشورها می‌گردد، کاهش داد. راه‌های ایجاد بحران شناسایی و با اعلام هوشیاری و تدبیر به‌موقع از ایجاد بحران‌ها پیشگیری کرد و نقش غرب را در این زمینه خنثی نمود. از طرفی با شناسایی ریشه‌های بحران در منطقه، از امنیتی‌شدن فضای کلی حاکم بر جوامع جلوگیری کرد. در نتیجه از ایجاد تفرقه در این منطقه - که عموماً کشورهای مسلمان‌نشین هستند - امتناع نمود، در صورتی که نقش غرب در ایجاد و ساخت هرگونه بحران در منطقه به‌خوبی شناسایی نگردد، شرایط و بسترهای مناسبی برای نفوذ و ایجاد بحران در منطقه غرب آسیا فراهم می‌گردد. کشورهای غربی که علاقه‌مند به دخالت در امور سایر کشورها هستند، به‌راحتی اداره و مدیریت این کشورها را در اختیار خواهند گرفت و ضمن ایجاد وابستگی همه‌جانبه در این کشورها، فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جوامع غربی را بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی کشورهای منطقه غرب آسیا، بر آنجا حاکم می‌گردانند. فرهنگ غربی و غربی‌زدگی نمودن، به‌مرور زمان در لایه‌های مختلف اجتماع و حکومت تأثیرگذار بوده و زمینه‌های ایجاد بحران‌های امنیتی را فراهم می‌نمایند.

هدف و سؤال پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی ویژگی‌های متون تصویری پدیده داعش و آوارگان عراقی است و به دنبال پاسخ به این سؤال است که پدیده داعش و آوارگان جنگی عراقی در متون تصویری با چه ویژگی‌هایی بازنمایی شده‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

چارچوب‌های نظری متفاوتی برای فهم انتقال معنا توسط عکس وجود دارد که از میان آن‌ها می‌توان نظریه گشتالت، تاریخ هنر، تحلیل روانکاوانه، پیکرنگاری و... را نام برد (هریسون^۱، ۲۰۰۳:

۴۷). در این مقاله لازم است از روشی استفاده کنیم که به ما امکان بررسی لایه‌های زیرین عکس‌ها را بدهد. نشانه‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد. نشانه‌شناسی در مفهومی گسترده، مطالعه شکل‌گیری و در مبادله معنا بر مبنای نظام‌های نشانه‌ای است. این متون هر نوع نظام نشانه‌ای را در برمی‌گیرد که شامل تصویر عکاسانه نیز می‌شود. نشانه‌شناسی، بررسی فرایند تولید و بازتولید جریان معنا در تمام اشکال ارتباطات است (بی‌ب^۱، ۲۰۰۴: ۶۲۷؛ سجودی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). نشانه‌شناسی در بستر ساختارگرایی متولد شده است و ما را توانمند می‌سازد که متون و فرهنگ را مجموعه‌ای از نشانه‌ها بدانیم که تحلیل آن‌ها می‌تواند راهی برای درک ساختارهای معنایی فرهنگ باشد (سرافراز، ۱۳۹۰: ۹۷). نشانه‌شناسی ریشه در آرای زبان‌شناس سوئیسی، فردیناندو دوسوسور^۲، دارد. نشانه‌شناسی دوسوسور، دیدگاهی ساختارگرایانه است (سجودی، ۱۳۹۰: ۶۰). نشانه‌شناسی دوسوسور از دو بخش اصلی دال^۳ و مدلول^۴ تشکیل شده است که وی رابطه بین آن دو را رابطه‌ای دلبخواهی و قراردادی می‌دانست (ربیعی و محبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). چارلز پیرس^۵ نیز که یکی دیگر از بنیان نشانه‌شناسی محسوب می‌شود. وی نشانگی را فرایندی ناتمام می‌دانست؛ به این معنا که هر تأویلی که در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد، خود نشانه‌ای است که باید مجدداً در چرخه نشانگی قرار بگیرد و در ارجاع به نشانه‌ای دیگر شناخته شود (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۵؛ بیب، ۲۰۰۴: ۶۲۸). نشانه‌شناسی بعد از گذشتن از مراحل اولیه خود، به‌سوی جامعه‌مداری سیر می‌کند و به بافت اجتماعی و فرهنگی تولید و مصرف متون اهمیت می‌دهد. کارهای بارت؛ ازجمله کارهای بنیادین در حوزه مطالعات فرهنگی است که متضمن حرکت از فرهنگ‌گرایی به ساختارگرایی است (بارکر، ۱۳۹۱: ۱۷۳). بارت معتقد است که معنا از بازی نشانه‌ها حاصل می‌شود و جهانی که ما در آن ساکنیم، نه یک واقعیت؛ بلکه نشانه‌ای از واقعیت است که به‌طور پیوسته رمزگذاری و رمزگشایی می‌شود. جهان نه امری برای تجربه؛ بلکه نشانه‌ای است که باید خوانده و رمزگشایی شود؛ بنابراین از طریق نشانه‌هاست که می‌توان به متون نزدیک شد و آنان را مورد فهم قرارداد (هاوکس^۶، ۲۰۰۳: ۹۹). نشانه‌شناسی در حوزه عکاسی را بارت آغاز می‌کند (سونسون^۷، ۱۳۹۰: ۲۲). بارت از میان انواع تصاویر، تصاویر عکاسانه را مورد بررسی قرارداد. در این نوع تصویر، واقعیت نسبتاً صریح و بدون اغماض نمایش داده می‌شود؛ اما

1. Beeb
2. Ferdinand De Saussure
3. signifier
4. signified
5. Charles Pierce
6. Hawkes
7. Goran Sonesson

او معتقد است که عکس افزون بر رونوشت برداری از واقعیت، آن را تا حدی تغییر نیز می‌دهد (ون لون^۱، ۲۰۰۵: ۳۸). به عبارت دیگر، وی حتی زمانی که می‌پذیرد دال و مدلول عکاسی به‌طور متقابل همان‌گونه‌اند، بازهم رابطه دلبخواهی میان آن دو را رد می‌کند (سونسون، ۱۳۹۰: ۳۹). پس از بارت، هال نیز به شکل انتزاعی‌تری به عکاسی و به‌ویژه عکاسی خبری می‌پردازد و در این راه، رگه‌های مارکسیستی را به چارچوب بارت می‌افزاید (سونسون، ۱۳۹۰: ۲۹). تمایز میان دلالت ضمنی^۲ و صریح^۳ یکی از سازوکارهای نشانه‌شناسی در دیدگاه بارت است که وی آن را به تحلیل تصاویر نیز گسترش داد (ون لون، ۲۰۰۵: ۳۷). بارت معنای صریح در عکس را، پاسخی می‌داند که به صورت بی‌واسطه و بیشتر ناقص، به سؤال «این چیست؟» می‌دهیم. نوعی توصیف مستقیم و صریح که از میان نشانه‌ها، مخاطب را به معنای از پیش تعیین شده رهنمون می‌کند. بارت همواره تصاویر را دارای معنای ضمنی می‌داند و بر آن بود که نسبت میان آن و معنای صریح در تصویر همان نسبت نشانه‌شناختی بین موضوع تصویر و بازنمایی آن است (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۰). یکی از شاخصه‌هایی که بارت در به کار بردن روش نشانه‌شناسی بر آن تأکید می‌کند، بینامتنیت^۴ است. بینامتنیت به معنای اشاره، اقتباس و یا هرگونه نقل قول از اثر یا گفتمانی دیگر در متن مورد نظر ماست. خواه این اشاره مستقیم باشد و خواه غیرمستقیم. گاهی اشاره به گفتمانی دیگر در متن، آن چنان پنهانی و زیرکانه است که در متن حل می‌شود و بخشی از آن به شمار می‌رود که در این مورد یافتن روابط بینامتنی دشوار است (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۳). در الگوی نشانه‌شناسی‌ای که بارت ارائه می‌دهد، تعمیم به صورتی که در علوم طبیعی وجود دارد نیست. تعمیم نه در نتیجه دفعات تکرار یک نشانه؛ بلکه با گستره مناسباتی در ارتباط است که به معناسازی می‌انجامد؛ حتی اگر نشانه‌ای تنها یک بار در اثر حضورداشته باشد. به باور بارت تعمیم یک عملیات کیفی است؛ به این معنا که نشانه‌ای هرچند استثنایی و نادر در یک متن، با قرارگیری در مجموعه‌ای منطقی از نشانه‌ها، به معنایی مشخص می‌انجامد (بارت، ۱۳۹۱: ۷۹-۷۵).

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

عکاسی فعالیتی فردی و خلاقانه است که عکاس در انزوا به آن دست می‌یازد نیست؛ بلکه نوعی فرایند اجتماعی است (هریسون^۵، ۲۰۰۳: ۴۷)؛ عکاسی در اوج حاکمیت گفتمان پوزیتیویسم بر

1. Van Leeuwen
2. connotation
3. denotation
4. intertextuality
5. Harrison

ساختارهای معرفت‌شناسی متولد شد. بودلر^۱ عکاسی را نتیجهٔ میل افراطی مدرنیته به ثبت دقیق واقعیت‌ها و اندازه‌گیری منظم امور می‌بیند (حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۶). بکر^۲ معتقد است که اگر آغاز جامعه‌شناسی را انتشار آرای کنت^۳ بدانیم و تولد عکاسی را ثبت تصویر توسط داگر^۴ (۱۸۳۹)، جامعه‌شناسی و عکاسی، تولدی هم‌زمان داشتند، در شرایط اجتماعی نسبتاً مشابهی پا به عرصه گذاشتند و موضوع محوری هر دوی آن‌ها شناخت جامعه بود (بکر، ۱۳۸۷: ۱۰۰). فعالیت عکاسی همواره از یک شیء بی‌اثر، یک زبان می‌سازد و هنر ماشینی و مکانیکی عاری از فرهنگ را به اجتماعی‌ترین نهادها تبدیل می‌کند (بارت^۵، ۱۳۸۹: ۳۳). بازنمایی‌های فرهنگی در قالب آثاری همچون صداها، متون نوشتاری و تصویری و غیره ارائه می‌شوند. حال یکی از چهره‌های مهم مطالعات فرهنگی است و ایده‌های انتقادی وی دربارهٔ بازنمایی و ایدئولوژی، به آثار مهمی در فرهنگ رسانه‌محور امروزی تبدیل شده‌اند (گیویان و سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). رسانه در ارائهٔ تصاویر خود به زبان و معنا وابسته است و زبان و معنا نیز همواره متکی بر قدرت هستند؛ بنابراین رسانه در ارائهٔ تصاویر، نمی‌تواند فارغ از گرایش‌های ایدئولوژیکی عمل کند (صفا وردی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). رسانه در عمل بازنمایی ایدئولوژی یا در جریان بازنمایی طبیعی و درست فرض می‌شوند و یا در قالب عقل سلیم گسترش می‌یابد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷). سه رویکرد متفاوت به بازنمایی وجود دارد: بازتابی^۶، نیت‌مند^۷ و سازه‌گرایانه^۸. حال بر آن است که در رویکرد بازتابی، بازنمایی همچون آئینه، معانی را همان‌طور که درواقعیت حضور دارند، به نمایش می‌گذارد. در رویکرد نیت‌مند، عامل اصلی در بازنمایی، گوینده، نویسنده یا عکاس است. نشانه‌ها دارای معنایی هستند که صاحبان رسانه، نیت ایجاد آن را دارند. حال در رویکرد سازه‌گرایانهٔ بازنمایی، معتقد است که جهان خود حامل معنا نیست؛ بلکه معنا را نظام‌هایی که برای بیان مفاهیم از آن‌ها استفاده می‌کنیم، حمل می‌کنند. در این میان، معنا از طریق نشانه‌ها منتقل می‌شود. حال معتقد است که آنچه رسانه‌ها بازنمایی می‌کنند، واقعیت ناب نیست؛ بلکه واقعیت رمزگذاری شده‌ای^۹ است که در ارتباط با دیگری و با توجه به تفاوت‌های معنایی عمل می‌کند (گیویان و سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۵۰).

1. Baudelaire
2. Becker
3. Comte
4. Daguerre
5. Barthes
6. reflective
7. intentional
8. constructionist
9. encoded

پناهندگی: به‌طور کلی «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌شود که برای مصون ماندن از تعقیب و آزار از کشورش فرار کرده و به کشور دیگری پناه آورده باشد (conde,2002:221). یکی از مهم‌ترین و نسبتاً جامع‌ترین تعاریف مربوط به این اصطلاح در ماده یک «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱» ارائه شده است. در ماده یک کنوانسیون یادشده آمده: از نظر کنوانسیون، اصطلاح «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌شود که:

۱- به‌موجب ترتیبات مورخ ۱۲ می ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ یا به‌موجب کنوانسیون‌های مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ یا پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان، پناهنده تلقی شده است.

۲- در نتیجه حوادث قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از این‌که به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت تعقیب و آزار قرار گیرند، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند یا به علت این ترس نمی‌خواهند خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهند یا در صورتی که فاقد تابعیت باشند و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند یا به علت ترس نمی‌خواهند به آن کشور بازگردند (زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱).

باید به این نکته توجه داشت که این تعریف در یک معاهده ارائه شده و اصطلاح «پناهنده» را می‌توان به نحو بسیار گسترده‌تر از آنچه در این معاهده آمده تعریف نمود؛ آن‌چنان‌که «کمیساریای عالی پناهندگان»^۱ که هم با پناهندگان معاهده‌ای و هم پناهندگان غیر معاهده‌ای سروکار دارد، تعریف گسترده‌تری را ارائه نموده تا حمایت‌های آن افزون‌بر افرادی که مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ هستند، شامل افرادی که مشمول این تعریف نیستند نیز بشود و آن‌ها را نیز در حکم پناهنده قرار دهد (conde,2002:222).

بر اساس تعاریف سازمان ملل متحد پناهنده و آواره دارای مشخصات زیر است:

پناهنده کسی است که به دلایل سیاسی، نژادی، مذهبی و یا عضویت در گروه‌هایی که دولت آن کشور از نظر سیاسی آنان را مخالف خود می‌شناسد و یا گروه‌های اجتماعی که دولت‌ها حاضر به قبول آن نیستند؛ مانند مسائل زنان و... و یا ترس از آزار و شکنجه از کشور خود خارج می‌شود و از یک مرز بین‌المللی عبور می‌کند و بر اساس مقررات سازمان ملل متحد باید در

1. High Commissioner For Refugees

اولین کشوری که خود امضاکننده قراردادهای کنوانسیون ژنو است، درخواست پناهندگی بنماید و در این صورت می‌تواند مورد حمایت سازمان ملل متحد قرار بگیرد.^۱

مهاجرت: مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست، جدا کرد (زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

تفاوت پناهندگی و مهاجرت: در تبیین این دو پدیده بایستی به تفاوت‌های ماهوی و انسان‌شناسانه این دو مفهوم توجه جدی کرد. مفهوم پناهنده^۲ با مهاجر^۳ گرچه در ظاهر مشابه هستند؛ اما در انگیزه‌ها، روش و اهداف تفاوت‌های ماهوی با یکدیگر دارند. پناهندگی نوعی از اجبار و نداشتن اختیار را در خود دارد. در مفهوم پناهندگی ما با مفاهیمی اساسی به نام مرگ و زندگی در بعد عمیق خود مواجهیم. حرکتی که در آن انتخاب کمترین نقش را در تصمیم‌گیری بازی می‌کند. انتخاب بین بودن یا نبودن محور اصلی در مفهوم پناهندگی است. در صورتی که در مفهوم مهاجرت مسئله چگونه بودن است و این تفاوت نظری ریشه‌های زیست‌شناختی انسان را برای بقا تحریک می‌کند. در پناهندگی عقل محاسبه‌گر نقش بسیار کمتری بازی می‌کند. در موقعیت پناهندگی محافظه‌کاری و عقل محاسبه‌گر جای خود را به غریزه می‌دهد و طبیعتاً نیرویی که پناهنده را به جلو می‌راند، نیرویی مهارناپذیر تلقی می‌شود. در پدیده امروزی پناهندگی به‌سوی اروپای آزاد و مرفه، نقش عامل پناهندگی بسیار پررنگ‌تر است؛ گرچه می‌توان تفاوتی بین پناهندگان غرب آسیا که از جنگ و مرگ و خون می‌گریزند تا آفریقایی‌هایی که از قحطی و مرگ بدون خون می‌هراسند قائل شد؛ اما در هر دو مسئله اساسی مواجهه با مرگ است. در غرب آسیا مرگ به‌صورت ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر رخ می‌نماید؛ اما در افریقای خشک و گرسنه، به‌صورت تدریجی‌تر و بدون خون و به‌صورت مرگ خاموش پناهندگان را می‌گریزند.^۴

در پدیده پناهندگی و مهاجرت‌های انسانی مورد بحث در جهان امروز که از کشورهای مبدأ (توسعه‌نیافته، مشهور به کشورهای جنوب) به سمت کشورهای توسعه‌یافته (مشهور به

1. Available at: <http://olbiaao.blogfa.com>

2. Asylum Seeker

3. Immigrant

4. Available at: <http://anthropology.ir/article/30035.html>

کشورهای شمال) است، می‌توان وجود بی‌تعادلی‌های شدید و معنی‌دار از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، ارزشی و امنیتی را به‌روشنی مشاهده کرد. این اختلاف و نبود تعادل بین کشورهای مبدأ و مقصد از نظر سطح رنج و لذت، امنیت و ناامنی، ثروت و فقر، آزادی فردی و اجتماعی و سیاسی، امید به آینده و حتی سطح رؤیاهای و آرزوها مشاهده‌شدنی است. در یک‌سو رنج مستمر و از دیگر سو لذت مستمر و پایدار وجود دارد. در یک‌سو ناامیدی و نزاع بین مرگ و زنده ماندن و در دیگر سو تلاش و آرزو برای استمرار زیستی و افزایش طول عمر، در یک‌سو جنگ برای کاهش کمیت و کیفیت مرگ و در دیگر سو تلاش برای افزایش کمیت و کیفیت زندگی، در یک‌سو تنوع وسیع و عمیق در گونه‌های رنج کشیدن و در دیگر سو تنوع وسیع و عمیق در گونه‌های لذت بردن از زندگی وجود دارد. در یک‌سو تراکم نفی فردیت و هویت فردی و در دیگر سو تراکم روش‌ها در حفاظت از فردیت‌ها و هویت‌های فردی. در یک‌سو تراکم وحشت و در دیگر سو تراکم آسایش موج می‌زند. در یک‌سو جهالت متراکم و در دیگر سو حسابگری و خرد متراکم، در یک‌سو گسیختگی متراکم و در دیگر سو نظم و انسجام متراکم، در یک‌سو حسرت متراکم و در دیگر سو ارضای متراکم، در یک‌سو قحطی اندیشه و تفکر و در دیگر سو فراوانی اندیشه و تفکر، در یک‌سو جهانی سیاه‌وسفید و دیگر سو جهانی رنگارنگ وجود دارد. این نبود تعادل‌ها در عالم واقع خود را به زبان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترجمه می‌کنند و تبدیل به عامل حرکت گروه‌های انسانی از کشورهای مبدأ به سمت کشورهای مقصد می‌شوند.^۱

علت مهاجرت: آگاهان امور و دانش‌پژوهان سیاسی و اجتماعی اذعان دارند که یکی از مهم‌ترین عوامل پدیده مهاجرت و پناهندگی، مسئله امنیت است؛ یعنی موضوع کلیدی برای بررسی پدیده مهاجرت در هر جامعه‌ای مسئله امنیت است که می‌تواند بازگوکننده بسیاری از زیرمجموعه‌های آن دانسته شود. نبود امنیت سبب می‌گردد که فرد یا افرادی مأمن و سرزمین و خانواده و قوم خود را ترک نموده و راه فراق و دوری از آنان را انتخاب نموده و تمامی مصائب و سختی‌ها و خطرهای را به جان بخرد. فرد مهاجر و پناهنده تا به محل و مکانی که در آن احساس امنیت نماید، در تلاش و تکیه خواهد بود تا به آن دست یابد. نکته مهم دیگری که باید در ارزیابی مسئله مهاجرت و پناهندگی در ارتباط با مسئله امنیت طرح‌شدنی است، این است که در اینجا امنیت دامنه بسیار گسترده دارد. ناامنی فیزیکی و نظامی بخشی از مشکلی است که ممکن است هر شهروندی به آن دچار باشد. این‌که فردی در سرزمین خود و تحت

1. Available at: <http://anthropology.ir/article/30035.html>

حاکمیت نظام سیاسی سرزمین خویش احساس امنیت ننموده و تحت تعقیب و خطر قرار داشته باشد، یا این که بنا به دلایل اعتقادی از سوی جامعه و مردم تحت فشار قرار داشته باشد، در پدید آمدن موضوع مهاجرت و پناهندگی افراد یا فرد دخیل است. در ادامه باید به مسئله ناامنی فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد. شاید در برخی جوامع و یا برای بعضی از افراد مسئله امنیت فرهنگی و اقتصادی مهم باشد. کسانی ممکن است شرایط فعالیت و پذیرش باورها و فعالیت های فرهنگی را در جامعه و کشور خود بنا به دلایلی مناسب و اعتمادپذیر نبینند و یا از سوی حاکمیت احساس اطمینان ننمایند؛ بنابراین، بستر فعالیت خویش را در سرزمین دیگر بنا به دلایلی مناسب تر تشخیص دهد. همین مسئله در مورد فعالیت اقتصادی افراد نیز مطرح است. در جهان امروز تنها مسئله مهاجرت و پناهندگی سیاسی مطرح نیست؛ بلکه ابعاد آن گسترده تر از این هاست. در دنیای امروز مهاجرت و پناهندگی فرهنگی و اقتصادی بخش مهمی از پناهندگی و مهاجرت را تشکیل می دهد. برخی از کشورها سعی دارند با فراهم ساختن شرایط مناسب و اعتمادپذیر، فعالان فرهنگی و اقتصادی کشورها و جامعه های دیگر را به سوی خود جلب و جذب نمایند.^۱

پیامدهای اقدامات داعش در غرب آسیا: جولان داعش در غرب آسیا باعث پدید آمدن مشکلات عدیده اقتصادی برای مردم و دولت های منطقه شده است. از دیدگاه برخی کارشناسان و صاحب نظران، نوع نگاه داعش به مقوله نفت به عنوان یک منبع مالی و اهرم اقتصادی باعث افزایش درگیری با سایر گروه های مسلح شده است که این خود زمینه های ناامنی اقتصادی را در منطقه افزایش داده است (غزایاق زندی، ۱۳۹۳: ۷-۵).

داعش بیشتر نفت را با ۵۰ درصد زیر قیمت بازار عرضه می کند که این تخفیف آثار بسیاری برای کشورهای متکی به درآمد نفت در منطقه داشته است (Waldock, 2015). از یک سو تحرکات داعش و سایر گروه های متخاصم در سوریه باعث کاهش تولید نفت این کشور از ۴۰۰ هزار بشکه قبل از شروع ناآرامی ها به ۳۰ تا ۴۰ هزار بشکه شده است (Daiss, 2016). از سوی دیگر قاچاق نفت داعش از طریق کانال های خاص خود باعث دامن زدن به ناامنی بیشتر در منطقه شده است (Hawramy, 2014) که برجسته شدن رویکرد امنیتی و کشیده شدن دامنه درگیری ها به سایر مناطق دیگر به فراخور بهره وری از این عنصر حیاتی را نیز به دنبال داشته است (Sanati, 2015). این گونه فعالیت های داعش نه تنها باعث تقویت این گروه و دلالتان نفتی

1. Available at <http://www.eqmweekly.com.af> - هفته نامه اقتدار ملی

از یک سو و تضعیف دولت‌های رسمی در عراق و سوریه از سوی دیگر شده؛ بلکه پیامدهای اجتماعی بسیاری را نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دنبال داشته است. به واسطه فعالیت‌های این گروه حدود ۴ میلیون پناهنده سوری در اردوگاه‌های اردن، ترکیه و لبنان حضور دارند (Rudaw, 2015). اهمیت مشکل پناهنده‌ها زمانی آشکار می‌گردد که بدانیم داعش در تلاش برای نفوذ در جمعیت پناهندگانی است که عازم غرب هستند و این اقدام خود می‌تواند زمینه‌های حملات تارشگری در غرب را نیز گسترش دهد (Andreozzi, 2015). از دیدگاهی دیگر، برخی اندیشمندان، یکی از پیامدهای اجتماعی شکل‌گیری داعش را در تکوین صنعت خشونت در شکلی بدیع می‌دانند، به نحوی که داعش با ترویج گسترده خشونت، روان‌شناسی جمعی را تحت‌تأثیر قرار داده است (پورسعید، ۱۳۹۴: ۷۱) و تأثیرگذاری بر روان جمعی با استفاده از ساختار رسانه‌ای، نتایجی عملی برای این گروه به همراه داشته است (نصری، ۱۳۹۴ الف: ۹) که این خود از طرفی می‌تواند تصمیمی کاملاً راهبردی باشد (نصری، ۱۳۹۳ الف: ۶) و از طرف دیگر خشونت اعمالی خود می‌تواند سازوکاری برای مشروعیت این گروه باشد، به گونه‌ای که حتی انجام‌دادن آن باعث از بین رفتن مشروعیت این گروه شود (عبادی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

خشونت بی‌سابقه در مسیر پیش روی داعشی‌ها، یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این گروه رادیکال محسوب می‌شود. بنا به گزارش الدخیل، نماینده ایزدی پارلمان عراق، داعش ۵۰۰ تن از مردان ایزدی سنجار را اعدام کرده است و زنان ایزدی و مسیحی این سامان را به عنوان کنیز و غنیمت جنگی به فروش رسانده است (خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۳). نکته دارای اهمیت، گسترش این فضای خشونت‌بار از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. استفاده دیگر داعش از این رسانه‌ها تلاش در راستای عضوگیری از سراسر جهان است. وجود بیش از ۱۲۰۰۰ مبارز خارجی از ۸۱ کشور دنیا نشان از موفقیت این گروه رادیکال در جذب نیرو و عضوگیری رسانه‌ای دارد (برت (ب)، ۲۰۱۴: ۶). تأثیر حضور داعش در عراق و سوریه فقط به کشورهای منطقه محدود نمی‌شود. افزون بر کشورهای منطقه سایر کشورهای جهان؛ مانند کشورهای اروپایی و آمریکا را نیز به شکل توجه‌برانگیزی متأثر ساخته است. آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی؛ مانند فرانسه، آلمان، آمریکا و ... از مهم‌ترین کشورهای هستند که از تحولات عراق و سوریه به شکل محسوسی متأثر شده و با آثار تحولات منطقه غرب آسیا دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مهاجرت مردم این مناطق به کشورهای اروپایی، انجام عملیات تارشگری و بمب‌گذاری به‌ویژه در کشورهایی مانند فرانسه و آلمان، پیوستن بسیاری از شهروندان این کشورها به گروه‌های تارشگری؛ مانند داعش، اعزام نیروی نظامی توسط کشورهای و تسلیحات نظامی در کنار انتشار

تصاویر از خشونت جنایت داعش ایجاد رعب وحشت و ... از مهم ترین آثاری است که در ابعاد مختلف برای این کشورها داشته است.

پناهندگی و آوارگی، نتیجه اقدامات رعب آمیز داعش:

داعش چند ویژگی را مبنای تشکیلات خود قرار می دهد: جمع شدن و ایجاد جماعت و گروه و اطاعت و فرمان بری بی چون و چرا و حرکت به مکانی برای انسجام و قدرت بیشتر و درنهایت مبارزه و جنگ برای رسیدن به هدف مورد نظر. ایجاد رعب و وحشت به عنوان وسیله ای مهم برای مقابله با کفار (به گمان نادرست آنها)، مورد تأکید قرار می گیرد. این در حالی است که در قرآن بر حکمت و منطق تأکید شده و بر شنیدن سخن ها و سپس تبعیت از بهترین آن ها سفارش شده است. در شماره ۷ نشریه دابق، جمله ای به نقل از ابن تیمیه در رابطه با خشونت اسلام آورده شده است: «پایه دین، یک کتاب راهنما و شمشیر حمایت کننده است» (مجمع الفتاوی) (نشریه دابق شماره ۷، ۱۴۳۶: ۲۱). این مطلب به وضوح دیده می شود که در باورداشت های این گروه، دین رحمانی و دین انسان دویستانه جای ندارد و خشونت و دین، قرین و لازمه همدیگر دیده شده است. آن ها هم چنین اسلام را دین جنگ می دانند و نه صلح و آن را به صراحت بیان کرده اند (همان: ۲۰). ابومحمد الادنان الشامی، سخنگوی رسمی دولت داعش، برای ایجاد رعب و وحشت در ممالک غربی می گوید: «ای آمریکایی ها، متحدان آمریکا یا مسیحی، بدانید که موضوع از چیزی که فکر می کنید وحشتناک تر و از چیزی که می بینید بزرگ تر است. ما به شما هشدار می دهیم که امروزه ما در یک منطقه جدیدی هستیم که حکومت و سربازان و فرزندان رهبرند و نه برده. آن ها کسانی هستند که به واسطه سنتشان شکست را نمی شناسند؛ نتیجه نبردشان قبل از شروع مشخص است. آن ها آماده نبرد نمی شوند تا زمان نوح، مگر با اعتقاد کامل پیروزی، کشته شدن پیروزی آن ها است. شما با کسانی می جنگید که هرگز شکست نمی خورند» (همان: ۷). وی در همین خصوص ادامه می دهد: «ما به اذن خدا بر روم شما مسلط شده، مقاومتان را می شکنیم و زنانان را اسیر می کنیم. اگر ما در این زمان نتوانیم، فرزندان ما یا فرزندان آن ها این کار را کرده و فرزندان شما را در برده فروشی ها می فروشند». او خطاب به کشورهای غربی می افزاید: «شما باید از مسلمانان بترسید، اگر در خیابان هایتان بخواهید به راست یا چپ بروید، حتی در اتاق خوابتان احساس امنیت ندارید» (همان: ۷). سپس خطاب به سربازان داعش برای ایجاد وحشت و خشونت به هر وسیله ممکن، می گوید: «غیر معتقدان را بکشید؛ چه نظامی باشند چه شهروند مدنی. به خاطر اینکه نقش یکسانی دارند» (همان: ۷). «اگر بتوانید یک آمریکایی یا اروپایی غیر معتقد - به ویژه فرانسوی

پلید و معاند - یا استرالیایی یا کانادایی یا هر غیر معتقدی که در جنگ، تحریک کننده غیرمعتقدان، شامل شهروندان کشورهایی که وارد اتحاد علیه حکومت اسلامی شده اند بکشید، پس به خدا توکل کنید و به هر روش و شیوه ممکن بکشید» (همان: ۷).

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

تصویری که برای این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، تصویر عکاسانه‌ای است. عکس از جهتی نوعی هنر محسوب می شود و هنر همواره حاوی اطلاعاتی راجع به جوامع، افراد، فرهنگ‌ها و هنجارهاست و همیشه چیزی درباره جوامع به ما می گوید (حسینی داورانی، ۱۳۹۲: ۹۵)، اما امروزه هنر به عرصه‌ای برای تنازع بین گروه‌ها تبدیل شده است تا از این طریق خود را جاودانه کند (ربیعی و محبی، ۱۳۹۰: ۹۹). راژان بودریار^۱، معتقد است، روند بازنمایی شبیه سازی شده امر واقع، واقعی تر از آن واقعیتی تلقی می شود که قرار است به آن ارجاع داشته باشد و آن را حاد واقعیت^۲ می نامد (سید من^۳، ۱۳۹۲: ۲۳۱). این امر، از عکاسی دستاویزی برای تولید معنا می سازد و در این میان آنکه قدرت، خلاقیت و امکانات بیشتری دارد، در استفاده از این رسانه برای تولید معنای مورد نظر خود به صورت مؤثرتری عمل می کند. این مطالعه با استفاده از روش نظریه بازنمایی که نگاهی انتقادی به متون رسانه‌ای دارد و همچنین با بهره جستن از روش نشانه‌شناسی، به دنبال کشف و تحلیل معنای ضمنی نهفته عکس مورد تحلیل است. در این مطالعه کوشیدیم از روش نشانه‌شناسی به ویژه رویکرد بارت برای تحلیل عکس استفاده کنیم. به این ترتیب، با توجه به عناصر موجود در عکس: اشیاء، رنگ‌ها، ژست‌ها، تکرارها و ...، دال‌ها را مشخص کردیم و مدلول اولیه و سپس ثانویه یا همان دلالت‌های ضمنی را بر اساس بستر تولید و مصرف عکس شرح دادیم.

در پژوهش حاضر، از طریق نشانه‌شناسی و با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی تولید و بازتولید عکس، سعی در عناصر موجود در آن داشته‌ایم. این روند شامل ۴ گام در راستای تحلیل عکس به شرح زیر است؛ گام اول توصیف عکس: آنچه به شکل واقعی در تصویر دیده می شود، بیان می شود که با استفاده از هنر آشنایی زدایی معمولاً اطلاعات توصیفی را می توان از دو منبع به دست آورد: ۱- خود عکس و دقت در درون آن ۲- منابع بیرونی؛ مانند کتابخانه، عکاس، نشریات و ... گام دوم توجه به موضوع عکس: تمایل جدی عکاس به امور پیرامونش را افشا می کند. گام سوم توصیف فرم عکس: فرم چیزی نیست جز چگونگی ارائه یک موضوع و سوز

1. Baudrillard

2. hyper real

3. Seidman

که شامل: نقطه، نور، خط، شکل، رنگ، بافت، فضا و ... است. سایر عناصر صوری مورد استفاده در عکاسی عبارتند از: میزان سیاه و سفیدی، تراکم و تضاد رنگ‌ها (کنتراست)، نقطه دید (فاصله سوژه با دوربین)، زاویه عدسی، کادر و لبه، عمق میدان و درجه وضوح. تحلیل فرم تصویر دو بعدی می‌تواند حاوی این موارد باشد: تأثیر حسی و عمیق عکس، تحلیل پیش‌زمینه و پس‌زمینه، استفاده از قاب، عمق میدان و به‌کارگیری آن در عکس، توازن (متقارن یا ناهم‌تراز)، روابط سطح و پیکره. گام چهارم تحلیل تفسیری عکس که در واقع هنر تحلیلگر است. در این راستا با توجه به گام‌های مطرح شده، عکس مورد تحلیل را وارد نرم‌افزار مکس کیودا کرده و در نهایت تعداد ۱۶ کد استخراج شده که به این شرح است: پدیده مهاجرت، توده آوارگان بی‌پناه، کودکان بی‌خانمان، جنگ و کشتار در عراق، مادر آواره‌ای که فرزند خردسالش را در آغوش کشیده، چشم‌انداز مبهم برای آینده، بیابانی که به‌سختی می‌توان رنگی به‌غیر از رنگ خاک در آن دید، دست‌های پینه‌بسته مادر، جوانی در بیابان با ظرفی آب، کودکانی که نمی‌دانند برای چه در بیابان سرگردان‌اند و راه می‌روند، پس‌زمینه تیره و خون‌آلود، قسمت عمده عکس که نمایان وضعیت مادر و کودکان آواره است، زاویه دید مستقیم مادر که نشانگر مظلومیت و واقعیت است، آدم‌های سرگردان در عکس، مرتبط با چشم‌انداز مادر پیش‌زمینه‌ای دیده نمی‌شود، تحریک‌پذیری و ناامیدی نسبت به بهبود اوضاع است. اگرچه در این پژوهش، هدف بررسی فنی و جنبه‌های صرفاً هنری عکس نیست؛ اما برخی تصمیمات هنری و فنی که به بازنمایی عمیق‌تر مفاهیم یاری رسانده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

A woman wearing a headscarf and a patterned dress carries a baby in a red shirt on her back. She is walking alongside two young girls, one in a grey shirt and the other in a red shirt with a graphic. They are in a dry, open landscape with a large group of people in the background, suggesting a refugee or displacement camp.

The screenshot displays the Simple Coding Query (SCQ) interface, which is a tool for combining and executing various coding queries. The interface is divided into several sections:

- Top Bar:** Contains standard application menus (Project, View, Documents, Codes, Variables, Analysis, Mixed methods, Visual tools, Reports, Stats, MAXDictio, Help) and a toolbar with icons for file operations, search, and execution.
- Code System Panel:** On the left, it shows a hierarchical tree of code systems. The selected code system is "Code System", which includes a list of codes and their descriptions. The code "19" is highlighted.
- Document Browser:** On the right, it shows a list of documents. The selected document is "Document Browser: 1", which displays a large image of a group of people, likely a family, with several colored bounding boxes (green, blue, red) overlaid on it, indicating the results of a query.
- Visualization:** In the center, there is a vertical bar chart or visualization showing the results of the query. The chart has a vertical axis labeled "19" and a horizontal axis with various colored bars (green, blue, red) representing different categories or values.
- Bottom Bar:** At the bottom, there is a status bar that reads "Simple Coding Query (OR combination of codes)".

داشته باشد». سودای مشترک توده آوارگان، یافتن امنیت و رسیدن به سرپناهی است که باعث شده تلاش جمعی آن‌ها سعی در خروج از وطن باشد.

کودکان بی‌خانمان: آنچه در تصویر منتشرشده ذهن بیننده را به خود معطوف می‌کند، تعداد کودکانی است که همراه با بزرگان و والدین مسیر بیابان را در پیش گرفته‌اند. حضور کودکان با وضعیت منتشرشده در عکس (ژولیده)، از نشانه‌های دیگری است که باز نماینده تحمل سختی و خشونت است؛ کودکان معمولاً در جهان غرب، با ظاهری بسیار مرتب و نظیف و درحالی که به بازی‌های متعارف و کودکانه مشغولند، به تصویر کشیده می‌شوند. آنان بیشتر در فضایی شاد و امن مشغول تحصیل و یا تفریح هستند. چنین تصویری، با آنچه در این مجموعه از حضور کودکان خون‌آلود و ژولیده، مؤکداً به ثبت رسیده است، آشکارا در تضاد است. آنچه به ذهن متبادر می‌شود، دوگانگی غربی‌ها به‌ویژه آمریکا در برخورد با موضوع است. از یک‌طرف داعیه حقوق بشر و مبارزه با داعش به‌عنوان گروه تارشرگی به‌صورت صوری و از طرفی تجهیز این گروهک اعم از تجهیزاتی و ... موضوعی که در تصویر توجه‌برانگیز است و حقوق بشر و کودکانی که به‌راحتی در حال پایمال‌شدن هستند.

جنگ و کشتار در عراق: علت و چرایی رفتار افراد در عکس از نکات کلیدی است که باید به آن توجه نمود. چرا افراد به‌صورت جمعی راهی بیابان و گریز از وطن خود شده‌اند. امنیت کلیدواژه‌ای است که بیانگر چرایی این رفتار است. نبود امنیت عینی و ذهنی در محل، منطقه و کشور که در پی جنگ و کشتار به وجود آمده است. آوارگی و بی‌خانمانی را برای ساکنان در پی داشته است. ارتباط چرایی تصویر با رفتار قابل‌مشاهده در تصویر.

مادر آواره‌ای که فرزند خردسالش را در آغوش گرفته است: مهر مادری به‌گونه‌ای است که مادر با همه سختی‌ها، فرزندش را از خود دور نکرده و با دستان پینه‌بسته به‌سختی وی را در آغوش گرفته تا از او محافظت کند.

چشم‌انداز مبهم برای آینده: عکس منتشرشده، فضای بیابانی را به تصویر می‌کشد که آوارگان را در بر دارد. فصل مشترک بیابان و آینده، چشم‌انداز مبهم امید به آینده است. در چشم‌انداز دور، آوارگان فقط سرابی نمایان است که به امید رسیدن به سراب مسیر را طی می‌کنند. موج ناامنی و وحشت، آوارگان را به امید چشم‌اندازی روشن، مجبور به مهاجرت نموده است.

بیابانی که به‌سختی می‌توان رنگی به‌غیراز رنگ خاک در آن دید: پشت‌زمینه عکس، بیابانی پوشیده از توده‌های گردوغبار حاصل از صحنه‌های جنگ و کشتار را نشان می‌دهد که نشان از عبور این آوارگان از میدان‌های جنگی و سرگردانی در این بیابان هستند.

دست‌های پینه‌بسته مادر: نوع و حالت دست‌های مادر که فرزند خود را در آغوش گرفته، نشان‌دهنده تحمل درد و کوفتگی و پینه‌بستگی است و این استدلالی بر این است که این مادر مدت مدیدی است روی خوش رندگی را به خود ندیده است. از شهر و روستا و آب و بهداشت به دور و فقط با خاک و کلوخ و سنگ‌ریزه انس داشته است. ماندن در دیار خود برابر با تحمل شقاوت و شکنجه و احیاناً بی‌عفت‌شدن ناشی از هتاک‌ی و گستاخی عوامل تارشرگان است؛ از این‌رو، فرار را بر قرار ترجیح داده و تحمل دست‌های پینه‌بسته و مجروح را بر قرار در دیار ناامن خود ترجیح داده است.

جوانی در بیابان با ظرفی آب: جوان با تکیه به نیروی جوانی خود ذخیره آب برای مسیر مبهم را تهیه کرده و به همراه خود در حال حمل است.

کودکانی که نمی‌دانند برای چه در بیابان راه می‌روند: نمایه عکس، تعداد زیادی کودکان کم سن و سال را نشان می‌دهد، اصولاً با مشاهده جمع‌های کودکانه، اولین موضوعی که به ذهن انسان متبادر می‌شود، جمع‌شدن برای بازی و سرگرمی است؛ ولی حال و هوای حاکم بر تصویر، بیانگر سردرگمی، واهمه و نگرانی است. صحنه گویای واهمه از رویاروی دوباره با عناصر تارشرگر است و وحشت از کشت و کشتار و خونریزی است که نتیجه آن از دست دادن والدین است.

پس‌زمینه‌ای تیره و خون‌آلود: یکی مهم‌ترین دال‌ها در این مجموعه عکس‌ها، خون‌آلودگی است که بر تن و چهره‌های زخمی و آسیب‌دیده دیده می‌شود. در عکس‌ها شاهد انسان‌هایی هستیم که رخت، ژولیدگی و خون‌آلودگی بر چهره آن‌ها آشکار است و دچار جراحات شدیدی شده‌اند. همان‌طور که در باب دلالت ضمنی نگاشته شد، در رمزگشایی عکس، برای دست‌یافتن به معنای پنهان در آن، باید معنای صریح و رابطه طبیعی‌شده دال و مدلول را کنار زد. در این صورت است که می‌توان معنایی را که در لایه‌های زیرین عکس وجود دارد و تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر آن، در عکس پنهان و اسطوره وار شده است، درک کرد. معمولاً خون و جراحات در زدوخوردها، کشتارها و تصادف‌ها دیده می‌شود و به جز موارد محدودی، یادآور ترس، انتقام و خشونت است و این بیانگر فلسفه وجودی گروهک تارشرگری داعش است که شنیدن نام آن تداعی‌کننده خشونت، خونریزی و آوارگی است.

قسمت عمده عکس که نمایانگر وضعیت مادر و فرزندان آواره است: بیشتر افراد مشاهده‌شده در تصویر را مادران و فرزندان آن‌ها تشکیل می‌دهند و مردان کمتر به چشم می‌آیند. شاید یکی از دلایل آن این است که این مادر و فرزندان سرپرستان خود را در درگیری‌ها و تهاجم عوامل تارشرگر از دست داده‌اند و این موضوع از تصویر مادر و فرزند تحلیل‌شدنی است. نکته

توجه‌برانگیز اینکه کودکان هنگام جدایی از بزرگ‌ترها نیم‌نگاهی از تمنا و التماس به پشت سر خود دارند و یا حالات بدن‌هایشان به عقب کشیده می‌شود؛ اما این عکس با آشنایی‌زدایی پنهان در خود به بیننده بزرگ‌سال تلنگر می‌زند که خروج آن‌ها از روی فرار است و هیچ نگاهی با هدف اتکا به پشت سر ندارند.

زاویه دید مستقیم که نشانگر مظلومیت و واقعیت است به مخاطب: نگاه مستقیم بیننده به تصاویر، اوج مظلومیت افراد حاضر در عکس را به تصویر می‌کشد. واقعیت این است که افراد مندرج در عکس تحت تأثیر خشونت و ناامنی آواره دشت و بیابان شده‌اند. مظلومیتی که از دید مدعیان حقوق بشر کاملاً دور مانده و خود مدعیان دروغین حقوق بشر هرچند وقت به بهانه مبارزه با تارشگری این افراد بی‌گناه را مورد تهاجم نظامی قرار می‌دهند و زمینه بیشتر آوارگی آن‌ها را فراهم می‌کنند.

آدم‌های سرگردان در زمینه عکس: آینده مبهم و پیش‌بینی‌ناپذیر از دیگر ویژگی‌های افراد قابل مشاهده در قاب تصویر است. راه در پیش گرفته شده بدون چشم‌انداز و امید به آینده است. آمار تلفات پناهندگان و پناه‌جویان در دریای مدیترانه می‌تواند آینده هرکدام از افراد قابل مشاهده در تصویر باشد و همین باعث موج سرگردانی و نداشتن امید به راه و هدفی خاص برای افراد آواره در تصویر است.

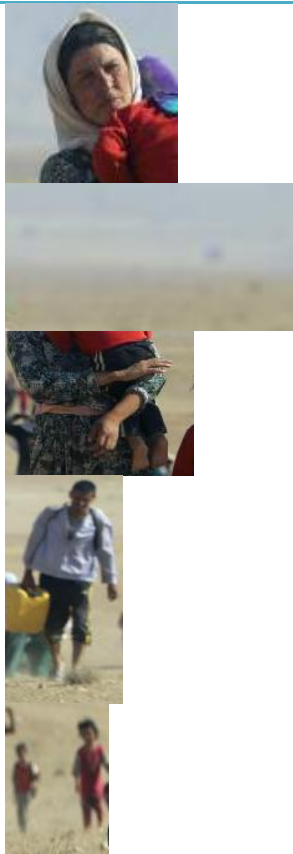
پیش‌زمینه‌ای در عکس دیده نمی‌شود (مرتبط با چشم‌انداز مبهم مادر): مادر در ذهن خود، در حال تجسم چشم‌انداز بسیار مبهمی است. نمی‌داند به کجا می‌رود؛ مقصدش کجاست؛ سرپناهی دارد یا نه و آینده چه خواهد شد.

ابعاد مهاجرت شامل (تخریک‌پذیری، ناامیدی و کنش‌گرایی نسبت به بهبود): یکی از مهم‌ترین علل پدیده مهاجرت و پناهندگی، مسئله امنیت است؛ یعنی موضوع کلیدی برای بررسی پدیده و مهاجرت در هر جامعه‌ای مسئله امنیت است که می‌تواند بازگوکننده بسیاری از زیرمجموعه‌های آن دانسته شود. نبود امنیت سبب می‌گردد که فرد یا افرادی مأمن و سرزمین و خانواده و قوم خود را ترک نموده و راه فراق و دوری از آنان را انتخاب نموده و تمامی مصائب و سختی‌ها و خطرهای آن را بپذیرند. فرد مهاجر و پناهنده تا به محل و مکانی که در آن احساس امنیت نماید در تلاش و تکاپو خواهد بود تا به آن دست یابد. ناامنی فیزیکی و نظامی بخشی از مشکلات امنیت است که ممکن است هر شهروندی به آن دچار باشد. این‌که فردی در سرزمین خود و تحت حاکمیت نظام سیاسی سرزمین خویش احساس امنیت ننموده و تحت تعقیب و خطر باشد، در پدیدآمدن موضوع مهاجرت و پناهندگی افراد یا فرد دخیل است.

مهم‌تر از نبود امنیت، ناامیدی از بهبود وضعیت ناامن حاکم‌شده بر ساکنان منطقه است که هیچ
امیدی نسبت به کاهش و یا از بین رفتن آن در آینده نزدیک متصور نیست. موضوعی که در
حال حاضر مهم‌ترین دلیل مهاجرت و ترک وطن برای ساکنان کشور عراق و سوریه است و
آن‌ها را تحریک به ترک محل سکونت خویش می‌نماید.

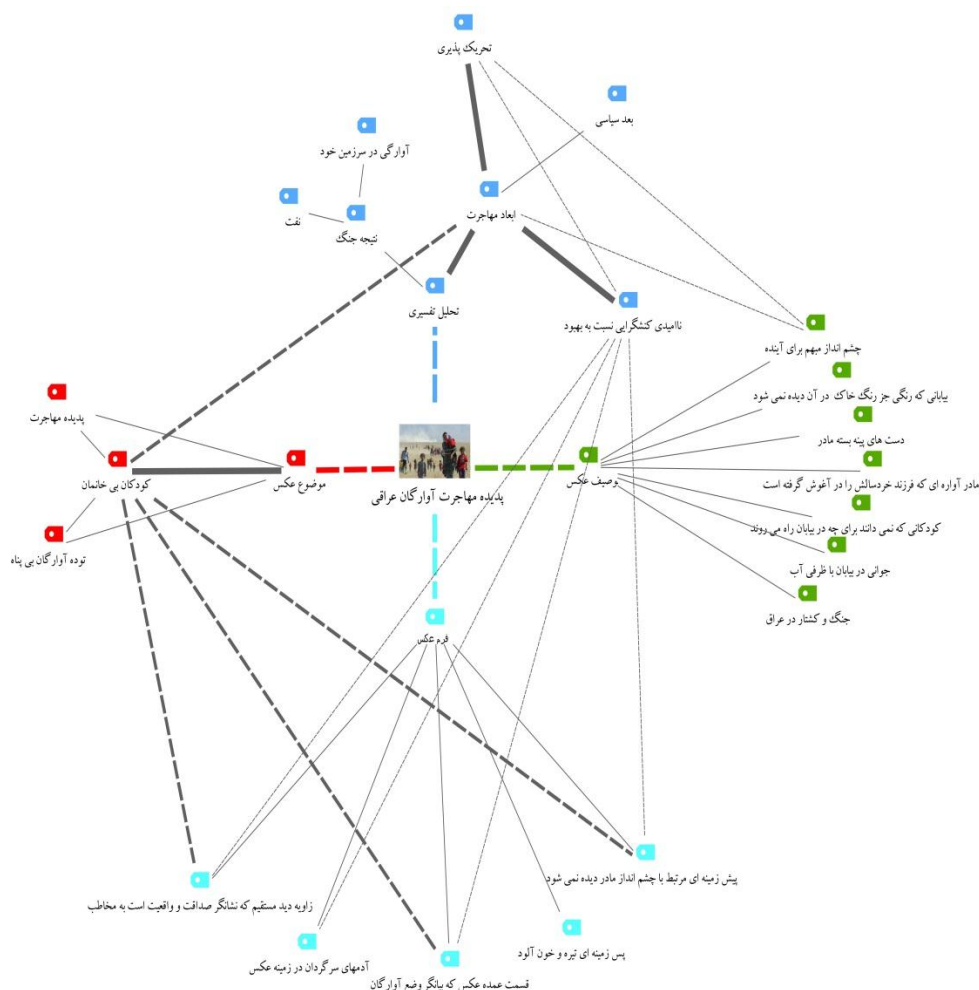
جدول ۱) نشانه‌ها، کدهای استخراج‌شده از عکس مورد تحلیل

نشانه‌ها	کد	مقوله (کام‌های تحلیل)
    	پدیده مهاجرت	موضوع عکس گام دوم تحلیل عکس
	توده آوارگان بی‌پناه	
	کودکان بی‌خانمان	
 	جنگ و کشتار در عراق	توصیف عکس گام اول تحلیل عکس
	مادر آواره‌ای که فرزند خردسالش را در آغوش گرفته است.	

	چشم انداز مبهم برای آینده	
	بیابانی که به سختی می توان رنگی به غیر از رنگ خاک در آن دید.	
	دست های پینه بسته مادر	
	جوانی در بیابان با ظرفی آب	
	کودکانی که نمی دانند برای چه در بیابان راه می روند.	
	پس زمینه ای تیره و خون آلود	فرم عکس گام سوم تحلیل عکس
	قسمت عمده عکس که نمایانگر وضعیت مادر و فرزندان آواره است.	
	زاویه دید مستقیم که نشانگر انتقال مظلومیت و واقعیت به مخاطب است.	
	آدم های سرگردان در زمینه عکس	

	پیش زمینه‌ای در عکس دیده نمی شود (مرتبط با چشم انداز مبهم مادر).		تحلیل تفسیری گام چهارم تحلیل عکس
	ابعاد مهاجرت		
	تحریک پذیری	ابعاد مهاجرت	
	ابعاد مهاجرت		
	ناامیدی کنش گرایی نسبت به بهبود		

شکل ۴) تحلیل و تفسیر عکس در قالب الگو



بحث و نتیجه گیری

منطقه جنوب غرب آسیا؛ ازجمله مناطق تنش‌زاست که همواره مورد توجه افکار جهانی بوده است؛ ازجمله اتفاقات بسیار مهم و حساس حادث‌شده در این منطقه طی سال‌های اخیر، برآمدن گروه داعش و جولان آن در این عرصه بوده است. امروزه گرایش به اندیشه‌های رادیکالیستی و گروه‌های سلفی- تکفیری از سوی نسل‌های دوم و سوم گروه‌های تارشرگی، امنیت اجتماعی کشورهای درگیر جنگ را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است. در همین راستا افراد گوناگون از کشورهای مختلف با زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی مختلف

وارد جبهه داعش شده‌اند و به دلایل مختلف در معرض فرایند رادیکالیسم قرار گرفته‌اند؛ به همین سبب در سال‌های اخیر، مسئله تارشگری و نگرانی‌های امنیتی ناشی از آن به یکی از مسائل اساسی جهانی بدل شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل مناقشه‌آمیز در سیاست‌های امنیتی معاصر، بحث آوارگان جنگی است که در مواجهه با چالش‌های مهمی چون تارشگری و نارسایی‌های اجتماعی پیوند خورده است. از دیدگاه دولت‌های اروپایی یکی از مهم‌ترین پیامدهای موج مهاجرت به اروپا در دهه اخیر؛ به‌ویژه در جریان جنگ‌های داخلی سوریه، عراق، افغانستان و لیبی در میان مهاجران و آوارگان جنگی است. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد بازنمایی و روش نشانه‌شناسی به تحلیل یک عکس پرداختیم. در تحلیل عکس، با رمزگشایی نشانه‌ها و کنارزدن معنای آشکار آن‌ها، به مقوله‌های مختلف عکس پرداخته شد. باید توجه داشت که الزاماً مهاجرت با رفتارهای بنیادگرایانه رابطه مستقیمی ندارد؛ بلکه باید زمینه‌های اجتماعی آن فراهم باشد تا موضوع مهاجرت را به پدیده رادیکالیسم گره بزند. موضوع مهاجرت آوارگان جنگی به یک موضوع امنیتی تبدیل شده است و این خود چالش‌های متعددی را هم برای سایر دولت‌ها و هم برای آوارگان مهاجر ایجاد کرده است. دولت‌های اروپایی با کشاندن پدیده مهاجرت به حوزه‌های امنیتی، تلاش می‌کنند تا مشروعیت سیاست‌ها و تصمیمات خود را در برخورد با مهاجران افزایش داده و بازخورد منفی آن را در سطوح ملی و بین‌المللی کاهش دهند. موضوع دیگر که تبدیل به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌های اروپایی شده است، ترس از به هم خوردن توازن جمعیتی در اثر گسترش جمعیت مهاجران آوارگان جنگی در اروپاست. بر این اساس، گروه‌ها و احزاب افراطی و ضد مهاجرت در کشورهای مختلف اروپایی، همواره نسبت به خطر برتری جمعیت مسلمان اروپا در دهه‌های آینده هشدار داده و آن را خطری جدی برای کلیسا، فرهنگ و هویت اروپایی و به طور کلی امنیت اروپا تلقی می‌کنند؛ به همین منظور در بسیاری از کشورها برخوردهای نامناسبی با آوارگان جنگی می‌شود. بدوی بودن و رفتارهای غیرعقلانی داعش که نمود آن در عکسی که به آن پرداخته شد، توصیفی از توحش و نهایت بی‌رحمی گروه تارشگری داعش است. به تصویر درآمدن کودکان در شرایطی که شرح آن بیان شد، یکی از تأثیربرانگیزترین وجوه این مجموعه عکس‌هاست که تقابل آشکاری با تصویر کودکان دنیا دارد و می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد ترس و نفرت از داعش و طردشدن آن از حوزه زندگی اجتماعی عمومی داشته باشد؛ چراکه آنان را همچون کسانی نمایش می‌دهد که به حقوق کودکان و حمایت از آنان که بخشی از حقوق کلی بشر است، پای‌بندی ندارند. نمادهای حاضر در عکس، هرکدام به‌گونه‌ای اشاره به

وقایعی دارد. همواره آمیخته بودن چنین نمادهایی با مفاهیمی همچون خون و کشت و کشتار و خوانش این نشانه‌ها توسط مخاطبانی که در بستری متفاوت با منطقه غرب آسیا زندگی می‌کنند، این نمادها را به یادآوری کینه‌جویی، خشم و جنگ تبدیل می‌کند. در این مجموعه، استفاده از برخی فنون هنری عکاسی همچون قرارگیری موضوعات اصلی در نقاط طلایی، انتخاب دقیق زوایای مورد نظر، ترکیب رنگ و ... در بازنمایی عمیق‌تر مفاهیم مؤثر بوده‌اند. زبانه‌کشیدن شعله‌های جنگی داعش زمینه درگیری‌های منطقه‌ای را بیش‌ازپیش مهیا ساخته است و کشورهای منطقه از یک‌سو و بازیگران فرا منطقه‌ای از سوی دیگر، با اقدامات خود به شعله‌ورتر شدن این آتش دامن زده‌اند. بر اساس تحلیل نشانه‌شناختی به این نتیجه رسیدیم که این رسانه در ارائه روایتی از آوارگان جنگی، تلاش کرده است تا از زاویه‌ای دیگر به پدیده داعش و ایجاد این وضعیت نابسامان برای مردم جنگ‌زده بپردازد. این نوشتار پیشنهاد می‌کند که در جهان اسلام و به‌ویژه تشیع، متون رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه تصویر که اثرگذاری فراوانی دارد، به تولید هرچه بیشتر معانی اصیل و منطبق با اسلام و انتشار آن در شبکه‌های اجتماعی اختصاص یابد. انتشار متونی که رحمانیت و اعتدال در اسلام را به نمایش می‌گذارد، در مقابل اسلام‌هراسی و توحشی که گروهک داعش ایجاد کرده است، می‌تواند قرائت واقعی از اسلام را در برابر چشم جهانیان ارائه کند. در این راستا تسلط بر فنون بصری و مجهز شدن به دستاوردهای نوین در این عرصه، می‌تواند مؤثر واقع شود. هم‌چنین جامعه جهانی نیاز است نسبت به وضعیت آوارگان اقدام جدی انجام بدهند و نسبت به سامان‌دهی و اسکان و تأمین کم‌ترین معیارهای زندگی کمک کنند تا میلیون‌ها آواره بی‌سرپناه و سردرگم، بتوانند دست‌کم، به وضعیت بسامانی دست پیدا کنند.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۹۱): *از نشانه‌های تصویری تا متن به‌سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری*. تهران: نشر مرکز استوار.
۲. بارکر، کریس (۱۳۹۱): *مطالعات فرهنگی نظریه و عملکرد*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. بارت، تری (۱۳۸۹): *نقد عکس: درآمدی بر درک تصویر*، ترجمه اسماعیل عباسی و کاوه میرعباسی، تهران: نشر مرکز.
۴. بارت، رولان (۱۳۹۱): *نقد و حقیقت*، ترجمه شیرین دخت دقیقیان، تهران: نشر مرکز.
۵. بکر، هاوارد (۱۳۸۷): جامعه‌شناسی عکاسی، *مجله بیناب*، ۱۲، ۱۰۰ - ۱۳۳.
۶. بحران آوارگان: وضعیت پناه جویان در اروپا. (۱۳۹۴): *ماهنامه اقتصاد ایران* (۲۰۰)، ۴۷.
۷. پور سعید، فرزاد (۱۳۹۴): «داعش: الگوی نوین کنش تارشمیری؟»، *ماهنامه برآورد*، سال سوم، شماره ۲۵-۲۶، صص ۶۵-۷۳.
۸. تودنهورف، یورگن (۱۳۹۴): *۱۰ روز با داعش: از درون دولت اسلامی*، ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی، تهران: نشر کوله‌پشتی.
۹. حبیب آ...، زنجانی؛ (۱۳۷۶): *تحلیل جمعیت شناختی*، تهران، سمت، ص ۲۱۲.
۱۰. حسن پور، محمد (۱۳۹۱): بازنمایی امر اجتماعی در عکاسی، بررسی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی در فهم فرایندهای بازنمایی، *فصلنامه فرهنگ و رسانه*، ۵، ۱۵-۲۹.
۱۱. حسینی داورانی، سید عباسی (۱۳۹۲): نظریه دریافت و جامعه‌شناسی عکسی. *فصلنامه چپاهان*، ۱، ۹۴-۹۹.
۱۲. خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۳.
۱۳. ربیعی، علی و محبی، نجیبه (۱۳۹۰): تصویر زن مسلمان در کاریکاتورهای غیرمسلمانان: نشانه‌شناسی کاریکاتورهای پایگاه الکترونیکی تونپول زیر موضوع زن مسلمان. *دو فصلنامه دینی و ارتباطات*، ۲، ۹۷-۱۱۶.
۱۴. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹): *معنا کاوی، به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. تهران: نشر علم.
۱۵. سجودی، فرزاد (۱۳۹۰): *نشانه‌شناسی نظریه و عمل*، تهران: نشر علم.
۱۶. سرافراز، حسین (۱۳۹۰): *استوارت هال و مهار بحران، خوانشی بر کتاب مهار بحران*. پژوهشنامه فرهنگ و ارتباطات.
۱۷. سیدمن، استیون (۱۳۹۲): *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

۱۸. سونسون، گوران (۱۳۹۰)؛ *نشانه‌شناسی عکاسی، در جست‌وجوی نمایه*، ترجمه مهدی مقیم نژاد، تهران: نشر علم.
۱۹. صفا وردی، سوسن (۱۳۸۹)؛ بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی، *مجله مطالعات کاربردی زنان*.
۲۰. عبادی فر، محمد (۱۳۹۵)؛ «داعش و مشروعیت خشونت‌بار»، در: داعش حقیقی و حقیقت داعش، به اهتمام محمدحسن حبیبیان، تهران: *پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی*، صص ۱۳۴-۱۰۷.
۲۱. غرایاق زندی، داود (۱۳۹۳)؛ «غرب آسیا: تحولات جاری و دورنمای پیش‌رو»، *ماهنامه برآورد*، سال دوم، شماره ۲۳، صص ۵-۱۴.
۲۲. گیویان، عبدالله و سروری زرگر، محمد (۱۳۸۸)؛ بازنمایی ایران در سینمای هالیوود، *فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی ایران*، ۸، ۱۴۷-۱۷۸.
۲۳. کسرایی، محمدسالار، و داوری‌مقدم، سعیده. (۱۳۹۴)؛ برآمدن داعش در غرب آسیا: تحلیل جامعه‌شناختانه. *روابط خارجی*. ۲۵(۷)، ۱۹۱-۲۱۶.
۲۴. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹)؛ تصویرسازی منفی رسانه‌های غرب از جهان اسلام و ملل شرق (خود و دیگری در متون و رسانه‌های غرب). *فصلنامه رسانه*، ۳، ۱۰-۲۱.
۲۵. نصری، قدیر (۱۳۹۳ الف)؛ «خشونت به سیاق داعش: بحثی در انگیزه و بنیاد فکری خشم»، *ماهنامه برآورد*، شماره ۱۹، صص ۵-۹.
۲۶. نصری، قدیر (۱۳۹۴ الف)؛ «شگردهای داعش برای مختل‌سازی و مهندسی محاسبات حریف»، *ماهنامه برآورد*، سال سوم، شماره ۳۴، صص ۵-۱۵.
27. Andreozzi, Jessi (2015), "Turning Away Syrian Refugees is Exactly What ISIS Wants". Available at: http://www.huffingtonpost.com/jesse-andreozzi/turning-away-syrian-refugees-is-exactly-what-isis-wants_b_8585084.html.
28. Barret (b), Richard. 2014. *The Islamic State*, the Soufan Group. Conde, H. Victor, (2002) A Handbook of International Human Rights. Terminology, second Edition, santa Barbara CA: ABC – Clio, P. 221.
29. Beebe, B. (2004). The semiotic analysis of trademark law. *Journal of UCLA Law Review*, 621,720-623.
30. *Dabiq. issu 4*. (1435). the Faild Crusade. Dhul-Hijrah.
31. *Dabiq. issu 7*. (1436). From Hypocrisy to Apostasy. Rabi- Al-Akhar Daiss, Tim(2016), "*Why Islamic State's (ISIS) Oil Revenue Is Plunging*". Available at: <http://www.forbes.com/sites/timdaiss/2016/08/26/why-islamic-states-oil-revenue-isplunging/#3813f724603e>.

32. Esposito, John L. (2014) *ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and*
33. Hawramy, Fazel (2014), *"Inside Islamic Stats' Oil Eempire"*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2014/nov/19/-sp-islamic-state-oil-empire-iraq-isis>.
34. Hawkes, T. (2003). *Structuralism and semiotics*. New York: Routledge. Obaid Abdullah, M.A. (2008). *A critical discourse analysis of the epresentation of theislam and muslims following the 9/11 events as reported in the New York Tims*. Ph.D thesis in Pholosophy, school of Graduate studies, Malasia Putra University.
35. Harrison, C. (2003). Visual social semiotics: Understanding how still images make meaning. *Journal of Technical Communication*, 50, 46-60.
36. Press TV, (5 may 2013), *Syrian refugees in Lebanon demand better life conditions*, <http://www.presstv.com/detail/2013/05/05/301845/syrian-refugees-in-lebanon-hold-demo>.
37. Rudaw, (2015), *"UN: Refugee Numbers at Record levels, Agencies No longer Able to Cope"*. Available at: <http://rudaw.net/english/middleeast/180620153>.
38. Sanati, Cyrus (2015), *"To Combat ISIS, Target its Oil Business in Syria"*. Available at: <http://fortune.com/2015/11/17/isis-paris-oil/>.
39. Waddock, Andy (2015), *"ISIS and the Price of Oil"*. Available at: <https://www.equities.com/news/isis-and-the-price-of-oil>.
40. Van Leeuwen, T. (2005). *Introducing social semiotic*. New York: Routledge.
41. Mercy corps, (10 may 2013), *Mothers coping with war: 'I embrace them and tell them not to fear'*, <http://www.mercycorps.org/articles/jordan-syria/mothers-coping-war-i-embrace-them-and-tell-them-not-fear>.

